

ترمپ رهبر جهان فاشیست؟



فاشیسم: فاشیسم یک فلسفه سیاسی پوپولیستی (به عقیده نویسنده) است که ملت را تعالی می بخشد و آن را مافوق فرد میداند. این با یک حکومت استبدادی متمرکز و یک ایدئولوژی و جنبش سیاسی اقتدارگرا و ملی گرای راست افراطی مرتبط است که توسط یک رهبر مستبد توصیف میشود. جنبش های فاشیستی بر ناسیونالیسم افراطی، نظامی گری و برتری "رهبر گرانقدر" و برتری ملت بر فرد تأکید میورزند.

قرن بیست و یکم شاهد ظهور مجدد فاشیسم یا نیوفاشیسم در جامعه جهانی است. اکنون، رهبران روسیه، چین، هند، ارجنتاین، هنگری، و بلغاریه با نمونه فاشیستی مطابقت دارند. رهبران این کشورها لیبرالیسم انتخاباتی و سیاسی و فرهنگی را تحقیر می کنند. برای اولین بار در تاریخ ۲۵۰ ساله ایالات متحده، یک رهبر افراطی ملیگرا و اقتدارگرا در قیافه دونالد ترمپ تبارز نمود که بسیاری از خصوصیات خطرناک فاشیسم را به نمایش می گذارد.

مهمترین چهره های اداره ترمپ با ایده ها و آرمان های فاشیسم مطابقت دارند. تعینات ترمپ برای خدمت به عنوان معاون او (جی دی ونس)؛ مدیر دفتر اداره و بودجه (راسل ووت)؛ وزیر دفاع (پیت هگزت)؛ مدیر دفتر تحقیقات فدرال (کش پاتل)؛ معاون لوی درستیز (استیون میلر) و لوی خارنوال (پم باندی) در این توصیف می گنجند. آنها وفاداری خود را به "رهبر گرانقدر" خود در قصر سفید اعلام کرده اند. همانطوریکه کریس لمان ماه گذشته در "ملت" اشاره کرد، آنها "تعیین کننده و فاشیست در مدار چهل و هفتمین رئیس جمهور هستند."

در کمتر از دو هفته، شخص ترمپ اقداماتی را انجام داده است که فقط میتوان آن را اقتدارگرایانه توصیف کرد – گام هایی که قدرت شخصی و سیاسی او را به قیمت حکومت قانون و دموکراسی امریکا ارتقا میدهد. در دو جمعه اخیر با تقلید از کشتار شنبه شب ریچارد نیکسن در سال ۱۹۷۳، ترمپ اخراج

۱۸ مفتش عمومی و سپس ۳۰ خازنوال فدرال را که در چهار سال گذشته در دوسیه شورش ۶ جنوری کار می کردند، منظور کرد. ترمپ همچنین مجوز امنیتی را برای ۵۱ امضاء کننده نامه ای لغو کرد که نشان می داد محتویات لپ تاپ هانتر بایدن ممکن است اطلاعات نادرست روسیه باشد.

وزارت عدلیه دستور اخراج هشت تن از مدیران اف بی ای را صادر کرد و تحقیقاتی را از هزاران تن از مقامات اف بی ای که در مورد دوسیه های قیام ۶ جنوری کار می کردند آغاز نمود. همه این اقدامات بدون توجه به قوانینی که این مقامات را در برابر چنین اقدامات عجولانه حفظ می کند، انجام شد. میلر، معاون رئیس دفتر، وقتی در مورد اخراج مفتشان عمومی که الزام قانونی برای ارائه اخطار ۳۰ روزه به کانگرس و همچنین دلیل مناسب برای چنین اقدامی را نادیده گرفت، توضیح داد که اداره ترمپ قانونی بودن قوانین را به رسمیت نمی شناسد.

گام های دیگری نیز برداشته شده است که زنگ خطر را در سراسر کشور به صدا درآورده و جامعه امریکا را متحول ساخته است. درخواست ترمپ برای پایان دادن به حق تابعیت که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، تغییر بزرگی در سیاست مهاجرت ایالات متحده خواهد بود. عفو ۱۶۰۰ اغتشاشگر ۶ جنوری هرگز معیارهایی را که در ارزیابی دوسیه های مختلف مورد استفاده قرار گرفت، مشخص نکرد. تهدید ترمپ به تحقیق درباره "همه خانواده جنایتکار بایدن" بی سابقه بود و صفحه ای از کتاب بازی های فاشیست کشورهایی مانند روسیه و چین را پاره کرد. این تهدیدها باعث شد که بایدن اعضای خانواده نزدیک خود و همچنین لوی درستیژ، ژنرال مارک میلی را عفو کند که ترمپ زمانی اعلام کرده بود که به دلیل ارتکاب "خیانت" مشمول مجازات اعدام خواهد شد.

اگرچه در سخنرانی مراسم تحلیف، ترمپ از جامعه ای "بی تعصب" و "شایسته محور" حمایت کرد، دستور او به ادارات فدرال برای پاکسازی مفاهیم تنوع، برابری و شمول، اقدامی برای برتری سفیدپوستان بود که حمایت از حقوق مدنی برای کارمندان دولت و قراردادی های دولتی را هدف قرار داد. ترمپ در یک نمایش کلاسیک از سفلیگی، حادثه هوایی غم انگیز بر فراز دریای پوتوماک را که منجر به کشته شدن ۶۷ نفر شد، منوط به "تنوع استخدام" در اداره هوانوردی فدرال دانست.

در کمتر از دو هفته، ترمپ در نظامی ساختن و سیاسی کردن ادارات و سازمان های مهم دولت، بخصوص مؤلفه های قضائی و امنیت ملی قدم برداشته است. دستورات اجرائی قوانین فدرال و احکام قضایی را نادیده گرفته تا به اصطلاح "دولت مخفی" را به مبارزه بطلبد و سیاست های موجود در مورد مهاجرت، محیط زیست و تنوع را معکوس نماید. ترمپ استخدام ادارات فدرال را متوقف ساخت و فقط اردو و "مقامات مرتبط با مهاجرت" را معاف کرد. او گروهی از کارگران فدرال به نام جدول F را به منظور حذف حمایت های شغلی برای کارکنان دولت احیاء کرد و تقریباً به تمام نیروی کار فدرال که شامل ۳/۲ میلیون مرد و زن بود، پیشنهاد نمود تا با پذیرش یک مقدار پول از وظایف خویش استعفاء دهند.

در همین حال، به اصطلاح پایه های دموکراسی ما خیمه های خود را بر می چینند و تسلیم فشار ترمپ می شوند. در هفته های اخیر، پل کروگمن از نیویورک تایمز؛ جنیفر روبین از واشنگتن پست؛ و جیم آکوستا و چاک تاد از سی ان ان به دلیل فشار نهادی برای کاهش لحن یا اجتناب از انتقاد از دونالد ترمپ از سمت خود استعفا داده اند. صنایع قدرتمند برنامه های DEI خود را به دلیل ارعاب ترمپ کنار می گذارند. دو شبکه (ABC و CBS) دعاوی حقوقی را به نفع ترمپ حل و فصل می کنند زیرا حامیان نهادی آنها (به ترتیب دیزنی لند و پارامونت) می خواهند از دشمنی با ترمپ اجتناب نمایند. تعداد زیادی از دموکرات ها در سنا به تائید گزینه های کابینه ترمپ رأی می دهند، صرفنظر از اینکه چقدر بی

صلاحیت و یا نامطلوب اند. بازیگران اصلی ساحة تکنالوژی بالاخص رقت انگیز بودند که غرض زانو زدن و بوسیدن حلقه میدان به مارالاگو هجوم بردند. عملکرد مارک زاکربرگ، رئیس متا، در این خصوص بسیار تأثیر آور است.

مناسفانه، این حالت یادآور آلمان در سال ۱۹۳۳ است، زمانی که موسسات بزرگ صنعتی و رسانه ها معتقد بودند که می توانند به سادگی از عهده آدولف هیتلر با توجه به آرزو هایش برآیند. در اواسط همین سال، دموکراسی جمهوری وایمار به دولت پولیسی رایش سوم تبدیل شد. تنها در دو هفته، دولت ترمپ طور سریع در حرکت بوده و در نتیجه به اصطلاح محافظان دموکراسی ما ضعیف و تسلیم شده اند.